

بسم الله الرحمن الرحيم

توطئه جنگ تمدن ها

نویسنده : سید رضا حسینی نسب

بیداری ملت های مسلمان و خیزش مجدد تمدن اسلامی و گسترش سریع دین مبین اسلام در جهان غرب، سه پدیده جدید هستند که در تنظیم معادلات جهانی و هژمونی نظامهای غربی، توجه سیاست گذاران بزرگ مغرب زمین را به خود جلب کرده اند. در برابر این نهضت اسلامی معاصر، دو نوع موضعگیری در قاره های اروپا و آمریکای شمالی که اصطلاحاً جهان غرب نامیده می شوند، به چشم می خورد:

1. بخش بزرگی از اقشار تحصیل کرده و روشنفکران اروپایی و آمریکایی با آگاهی از ویژگیهای بی نظیر اسلام مانند ائتکاء بر منطق و استدلال، مبارزه با تبعیض نژادی، ترویج معنویت و حمایت از محرومان، دین اسلام را به عنوان ناجی انسان ها از گرداب ظلمها و ظلمتهای حاکم بر جهان دانسته و به این آئین مقدس احترام می گذارند. این دیدگاه مثبت، موجب گردیده است تا به اعتراف منابع آگاه، اسلام به عنوان سریعترین ادیان پیشرو در اروپا و آمریکا معرفی شود.

به عنوان مثال در کتاب "MANKIND'S SEARCH FOR GOD" نوشته گروه مسیحیان شاهدان یهوه که در سال 1990 در نیویورک منتشر گردید پس از شرح گسترش اسلام و جمعیت بزرگ مسلمانان در جهان، چنین می خوانیم:

It is perhaps the fastest growing major religion in the world with an expanding Muslim movement in Africa and the Western world

" دین اسلام احتمالاً، سریعترین دین بزرگ و بیش‌تاز در جهان با گسترش حرکت اسلامی در آفریقا و جهان غرب می باشد".

حضور میلیون‌ها مسلمان در کشورهای اروپایی و آمریکایی از جمله بیش از پنج میلیون مسلمان در فرانسه و سه میلیون و هفتصد هزار در آلمان و بیش از هشت میلیون در ایالات متحده آمریکا و یک میلیون و یکصد هزار در کانادا؛ و وجود دو کشور مسلمان در قاره اروپا (بوسنی و آلبانی) مؤید سخن مذکور می باشد.

2. در برابر این دیدگاه مثبت، جمع‌کنندگی از سیاستمداران و حاکمان مغرب‌زمین، خاطره حمله طارق ابن زیاد به جنوب اسپانیا و جنگ‌های صلیبی میان دولتهای اسلامی و مسیحی و هجوم سپاه دولت عثمانی تا دروازه‌های شهر وین را مدّ نظر قرار داده و این حوادث تاریخی را معیار قضاوت و تصمیم‌گیری خویش می دانند. این گروه که کلیدهای ثروت و قدرت را در جهان غرب در اختیار دارند، چشم خود را بر روی ویژگیهای ارزشمند آئین حیاتبخش اسلام می بندند و با یادآوری حوادث تاریخی مذکور، گسترش اسلام در جهان را به طور اعم و در کشورهای غربی به طور اخص، به معنای خیزش مجدد تمدن اسلامی و مساوی با عقب‌نشینی و یا زوال تمدن مغرب‌زمین تعبیر می کنند. به همین دلیل پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و حتی قبل از آن، برخی از طراحان استراتژی‌های جهان غرب، تمدن اسلامی را به عنوان رقیب بعدی خود معرفی نمودند و برخی دیگر نیز، اسلام سیاسی را بزرگترین چالش تمدن غرب قلمداد کردند.

در همین راستا، در فاصله زمانی میان سالهای 1980 تا 1993، تئوریهای "پایان تاریخ"، "موج سوم" و "برخورد تمدن‌ها" توسط نظریه پردازانی چون "فرانسیس فوکویاما"، "الوین تافلر" و "ساموئل هانتینگتون" مطرح گردید و مورد استقبال این گروه از سیاستمداران و حاکمان اروپایی و آمریکایی قرار گرفت.

دکتر ساموئل هانتینگتون (استاد دانشگاه هاروارد در آمریکا) در سال 1992 میلادی نظریه "برخورد تمدن‌ها" (*The Clash of Civilizations*) را ارائه داد و مقاله او در تابستان سال 1993 در مجله *Foreign affairs* در ایالات متحده آمریکا منتشر گردید.

او تمدن‌ها را به تقلید از "توین بی" بر اساس گرایشهای دینی و فرهنگی به شرح زیر تقسیم کرده است:

تمدن غربی مسیحی، تمدن اسلامی، تمدن کنفوسیوسی، تمدن ارتدوکسی – اسلاو، تمدن ژاپنی، تمدن هندی، تمدن آمریکای لاتین، و تمدن آفریقایی.

هانتینگتون، قرن بیست و یکم را قرن برخورد تمدن غربی با تمدن اسلامی و تمدن کنفوسیوسی برشمرد و به سران کشورهای اروپایی و آمریکا هشدار داد تا آمادگی لازم را برای چالش با این دو تمدن داشته باشند. وی همچنین توصیه کرد که باید از اتحاد میان دو تمدن اسلامی و کنفوسیوسی جلوگیری بعمل آید.

وی در مصاحبه ای با روزنامه "لوپوئن" فرانسوی (به نقل از آن روزنامه) چنین می گوید:

" امروز تمدن اسلام مهمترین بلوک ایدئولوژیکی است که سر راه تمدن غرب قد علم کرده است و این تمدن را مجبور کرده از جاه طلبی های جهانشمولش دست بردارد.... يك واقعیت در این میان وجود دارد و آن این است که غرب باید بفهمد که با وجود تمدن اسلامی، اکنون دیگر نمی تواند مانند بعد از جنگ جهانی دوم بر جهان تسلط یابد. بنابراین ما باید این واقعیت را بپذیریم که تمدن های بزرگی چون چین و اسلام، بدون آنکه لزوماً ارزش های ما را مد نظر قرار دهند، عملاً در صحنه جهانی مطرح شده اند و این درحالی است که این دو تمدن هر روز بیشتر از گذشته براساس آهنگ خاص خود در حال تقویت شدن هستند.... درباره ویژگی های برخورد دو تمدن اسلام و غرب باید گفت که اولین ویژگی این برخورد، جهانی بودن آن است. یعنی هر جایی که مسلمانان و غربیان وجود داشته باشند، این برخورد نیز وجود خواهد داشت."

در پرتو مطالعه ای جامع در این زمینه، به خوبی روشن می گردد که آن گروه از سیاستمداران و حاکمان غربی که به نوع دوم از دیدگاه یاد شده در این مقاله معتقد هستند، در صدد ایجاد تنش

گسترده ای در سطح دولتها و ملتهای اسلامی از یک سو، و جهان غرب از سویی دیگر می باشند، تا زمینه را برای نبرد جهانی دیگری فراهم سازند. آنان ارائه طرحها و برنامه های پیچیده ای بر آنند تا به هر طریق ممکن، عصبانیت و خشم غیر قابل کنترل جوامع و دولتهای اسلامی را بر انگیزند تا با انجام حرکتی تند و حساب نشده، آن دسته از سیاستگذاران کینه توز در غرب بتوانند تنفر افکار عمومی مردم مغرب زمین را نسبت به گروه هایی مانند "طالبان"، در مقیاسی وسیعتر نسبت به عموم جوامع و دولتهای اسلامی تعمیم و توسعه بدهند.

اقدام ایدایی اخیر برخی از دستگاه های ارتباط جمعی غرب مبنی بر انتشار گسترده و کم سابقه تصاویر موهن و اسائه ادب به ساحت مقدس پیامبر بزرگ عدالت و آگاهی که با پشتیبانی ضمنی بعضی از دولتهای اروپایی انجام گرفت، یکی از توطئه های به ظاهر ساده ولی حساب شده و پیچیده در این راستا می باشد و یک حلقه دیگر از مرحله جنگ سرد میان تمدن غرب و تمدن اسلامی را تشکیل می دهد.

ارزیابی طراحان این توطئه زبوانه این بود که با اهانت به محبوبترین شخصیت در تمدن اسلامی، قلوب بیش از یک میلیارد مسلمان در سراسر جهان جریحه دار می شود و آنان به منظور انتقام از غربیها به سازمانها و دفاتر متعلق به کشورهای غربی، کلیساها و کنیسه ها حمله می کنند و این امر، واکنش متقابل را در میان جوامع اروپایی و آمریکایی بر می انگیزد و آنان نیز سفارتخانه های کشورهای اسلامی و مراکز دینی و فرهنگی مسلمانان در غرب را مورد حمله تلافی جویانه قرار می دهند؛ و از این رهگذر، خواسته شوم توطئه گران در جهت ایجاد تنفر و انزجار شدید بر علیه مسلمانان و کشورهای اسلامی در سراسر جهان بویژه در میان جوامع غربی به وقوع می پیوندد.

این حرکت، اولین و آخرین حلقه از سلسله عملیات جنگ روانی بر علیه تمدن ریشه دار اسلامی نمی باشد و قطعا در آینده نیز شاهد چنین حرکات ایدایی که برخاسته از تئوری های کینه توزانه ای مانند نظریه "نبرد تمدن ها" است خواهیم بود. با آنکه پاپ اعظم به عنوان مهمترین مقام مذهبی در غرب و دبیر کل سازمان ملل به عنوان بالاترین مقام دیپلماتیک جهان، حرکت زنده

این دسته از سردمداران مغرب زمین را مردود دانسته اند، وزیر اصلاحات ایتالیا "روبرتو کالدورلی" از پاپ بندیکت شانزدهم می خواهد تا آغازگر جنگ صلیبی دیگری بر علیه تمدن اسلامی باشد و معتقد است که دنیای مسیحیت باید به سرعت بر علیه جهان اسلام بسیج شود. وقاحت این وزیر دست راستی ایتالیا به جایی می رسد که اعلام می کند پیراهن هایی را با تصاویر موهن به اسلام و رسول خدا (ص) به صورت مجانی توزیع خواهد کرد و خود نیز این پیراهن را خواهد پوشید.

نکته قابل توجه دیگر در این زمینه، سخنان وزیر خارجه دانمارک در مصاحبه با روزنامه کپنهاگ پوست است که می گوید: "این درگیری ها برای یک قرن ادامه خواهد یافت" ! .

با تأمل در آنچه بیان شد به خوبی روشن می گردد که این توطئه ها به منظور برخورد با تمدن اسلامی همچنان ادامه خواهد یافت و بسیاری از ارکان اصلی قدرت و ثروت در مغرب زمین، بر عملیاتی کردن تئوری نبرد تمدن ها و شعله ور ساختن آتش جنگی مذهبی و فرهنگی بر علیه دین مبین اسلام پافشاری خواهند کرد.

بنا بر این شایسته است ملت ها و دولت های اسلامی با مشورت اندیشمندان و نظریه پردازان مسلمان و متعهد، طرح هایی جامع برای مقابله قدرتمندانه و در عین حال حکیمانه با این نیرنگ شوم تدوین کنند و احساسات پاک و امواج خشم جوامع اسلامی را در مسیری آگاهانه تر و مؤثرتر هدایت نمایند.